



مطالعه علل گرایش ایرانیان به فرهنگ حجاب

فرا تحلیل در بازه زمانی 1399-1391

طاها عشایری¹؛ سید علی میرلوحی²؛ طاهره جهان پرور³

چکیده

هدف: هدف اصلی از انجام این تحقیق، مطالعه علل گرایش ایرانیان به فرهنگ حجاب به روش فراتحلیل بود. **روش:** روش پژوهش از نوع کملی فراتحلیل (CMA2) و ابزار آن، پرسشنامه معکوس (نتایج تحقیقات گذشته و غیر مزاحم) بود. حجم جامعه پژوهش، 28 مورد بود که به روش عمدی - غیر احتمالی، 23 سند (به دلیل پیمایشی بودن) در بازه زمانی 1391-1399 انتخاب شدند. **یافته‌ها:** نتایج نشان داد که بیشتر تحقیقات (26 درصد) در بازه زمانی سال 1391 انجام شده‌اند. بیشترین مطالعه (13 درصد) در شهر همدان انجام شده است. دانشجویان دختر، بالاترین (30,4) و کاربران و جوانان کمترین درصد (4,3) را در جامعه پژوهش تشکیل می‌دهند. 60,8 درصد تحقیقات به روش تصادفی انجام شده‌اند. بیشتر تحقیقات (47,8 درصد) به مناطق در حال توسعه اختصاص دارند. بالاترین حجم نمونه (60,8 درصد) بین 200 تا 500 نفر است. 56 درصد از ایرانیان، گرایش بالاتری به رعایت حجاب، 32 درصد متوسط و 22 درصد گرایش کمتری نسبت به این مسئله دارند. در نهایت، اندازه اثر 2 نشان می‌دهد که عوامل اجتماعی (0,157)، فرهنگی (0,200)، روانی (0,140) و اقتصادی (0,380)، در تبیین گرایش به حجاب مؤثر بوده و در کل، 24 درصد از تغییرات فرهنگ حجاب را تبیین کرده‌اند. **نتیجه‌گیری:** حجاب به مثابه یک الگوی فرهنگی در ایران، با وجود نوسازی اجتماعی در بازه زمانی 1399-1391، مقبول شهروندان بوده است و در این تمایل و پذیرش، 1. عوامل فرهنگی (باورهای دینی، میزان باور به الزام حجاب، سرمایه فرهنگی، ارزشی شدن حجاب، آموزش اجتماعی، سطح تحصیلات، فرهنگ ازدواج آسان، الگوی پوشش خانوادگی، سبک فراغت، سبک زندگی)، 2. عوامل روانی (عزت نفس اجتماعی، میزان آگاهی از حجاب، سلامت معنوی، تصور از بدن)، 3. عوامل اقتصادی (رفتار مظاهرانه، کسب پایگاه اجتماعی - اقتصادی و طبقه اجتماعی) و 4. عوامل اجتماعی (جامعه‌پذیری حجاب، تأیید اجتماعی، الگوپذیری از دوستان، رسانه‌های خارجی، استفاده از اینترنت، اعتماد رسانه‌ای، اعتماد اجتماعی، استفاده از ماهواره)، تأثیر گذار بوده‌اند.

واژگان کلیدی: رفتار مظاهرانه، الزام به حجاب، اعتماد اجتماعی، طبقه اجتماعی، تأیید اجتماعی.

دریافت مقاله: 00/03/01؛ تصویب نهایی 00/08/21.

1. دکترای تخصصی جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی، استادیار گروه تاریخ و جامعه‌شناسی دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل (نویسنده مسئول) / نشانی: اردبیل، بلوار دانشگاه، دانشگاه محقق اردبیلی / شماره: 04531505000 / Email: t.ashyeri@gmail.com
2. کارشناسی ارشد حقوق خصوصی و معارف اسلامی دانشگاه امام صادق (ع)، تهران ایران.
3. دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی فرهنگی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران ایران.

الف) مقدمه

ادیان آسمانی به دلیل اینکه ریشه در یک مبدء دارند و آموزه‌های آنها از وحی الهی نشأت می‌گیرد، در مسائل بنیادین اعتقادی و عملی و همچنین برخی مباحث فرعی اشتراک نظر دارند؛ حجاب یکی از مسائل اصلی مشترک بین ادیان الهی است. تمایل به پوشیده ماندن از نظر ادیان یهود، مسیحیت و اسلام، امری درونی و فطری است و عفاف و خویشتن‌داری، فضیلت اخلاقی شمرده می‌شود. حجاب از ارزشمندترین نمادهای فرهنگی، اجتماعی در تمدن اسلامی - ایرانی است. در پرتو رعایت حجاب و ملزم بودن به عفاف است که شخصیت انسانی زن، حفظ و زمینه رشد و تکامل زن و مرد در عرصه‌های مختلف فراهم می‌شود و پیوندها و علائق خانوادگی استحکام و تداوم یافته، امنیت و آرامش روانی به وجود می‌آید و حضور سالم و کارآمد زنان که تشکیل‌دهنده بخش عظیمی از نیروهای فعال جامعه‌اند، در ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی ضمانت می‌شود. مفهوم حجاب به معنای پوشیدن، پرده و حجاب است. (متنی، 1396: 37)

رد پای حجاب و پوشش در جامعه ایران به زمانهای قبل از ورود اسلام به این سرزمین برمی‌گردد. هرچند اصطلاح حجاب به معنای پوشش اسلامی، در فرهنگ آن زمان مطرح نبود؛ اما زنان ایرانی، حجاب و پوشش مخصوص زمان خود را داشتند. در عهد هخامنشیان هرچند چهره کامل زنان دیده می‌شد و پیراهنشان مانند پیراهن مردان پارسی بود، اما مردان آن عهد از پارچه شنل‌مانندی که حالتی شبیه به چادر داشت، استفاده می‌کردند. (مهدیان‌نسب و معینی، 1395)

مسئله حجاب و پوشش، موضوعی خاص و مربوط به یک جامعه و دوره معین نیست، بلکه مسئله‌ای جهانی و فراگیر است که با ویژگی‌های متناسب با جوامع مختلف و در سیر تاریخی آنها قرار دارد. حجاب موضوعی مهم در جامعه امروز است که باید با درایت، تدبیر و همفکری، آن را سازماندهی کرد (سیاح‌ورک و همکاران، 1393: 138). حضور اجتماعی افراد سبب می‌شود موضوع حجاب به صورت مسئله‌ای ویژه با وسعت و گستردگی خاص بر مدیران و مسئولان جامعه حاکم شود؛ به طوری که می‌توان آن را یکی از حساس‌ترین مسائلی دانست که جامعه فعلی ما اکنون با آن مواجه است. (طالی و رضوی طوسی، 1392: 72)

از نظر اسلام، وجوب حجاب، حکمی قطعی است که درباره آن تردیدی وجود ندارد. درباره حدود حجاب شرعی نیز تقریباً اجماع وجود دارد و آیات قرآنی و روایات مفسر آنها این حدود را به روشنی مشخص کرده‌اند؛ هرچند اختلاف نظرهای اندکی نیز در این باره وجود دارد. البته نباید این اختلافات جزئی در استنباط فقهی، با تلاشهای مغرضانه‌ای که با اتکا به ادله سست، برای تعطیل حکم حجاب و حذف آن از احکام شرعی صورت می‌گیرد، خلط شود. عفاف و پاکدامنی از بارزترین نشانه‌های حیات و سلامت و امنیت جامعه اسلامی است. حجاب اسلامی نیز یکی از مهم‌ترین وجوه تمایز آشکار میان جوامع اسلامی و غیر اسلامی به شمار می‌رود. در پرتو رعایت حجاب و ملزم بودن به عفاف است که شخصیت انسانی زن

7 سید علی میرلوحی و همکاران

حفظ شده و زمینه برای رشد و تکامل زن و مرد در عرصه‌های مختلف فراهم می‌شود. در پرتو حجاب است که پیوندها و علائق خانوادگی استحکام و تداوم یافته، امنیت و آرامش روانی به وجود می‌آید و حضور سالم و کارآمد زنان که تشکیل‌دهنده بخش عظیمی از نیروهای فعال جامعه‌اند، در ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی ضمانت می‌شود. (وقاری، 1396)

هرگاه سخن از حجاب می‌رود، به معنی پرده‌نشینی نیست؛ بلکه منظور، جلوگیری از برهنگی در عرصه عمومی و حفظ امنیت اخلاقی اجتماع و تکامل معنوی فرد و به خصوص کرامت زن است. پس زن می‌تواند با رعایت پوشش اسلامی و حریم عفاف و حفظ کرامت و احترام انسانی، در فعالیتهای اجتماعی حاضر و مشغول به کار شود (سلاجقه و موسی‌پور، 1390: 164). رابطه میان حجاب و عفاف، عام و خاص مطلق و حجاب زیرمجموعه عفاف و یکی از مصادیق بروز عفت زن در حجاب اوست. استعمال لفظ عفاف درباره حجاب و پوشش، از قبیل استعمال لفظ کل در بعضی از مصادیق آن است. (قاضی‌زاده و احمدی سلمانی، 1386: 12)

برخی حجاب را امری فطری تلقی کرده، برای اثبات ادعای خود به شواهدی از اوستا، تلمود، تورات و انجیل تمسک کرده‌اند. این دسته مدعی‌اند که حجاب به عنوان اصلی مشترک در تمام ادیان، جایگاه خاصی دارد (اسماعیلی و یوسفی، 1385)؛ برخی دیگر با توجه به فرهنگ غرب و رواج برهنگی و آسیبهای فراوان و پیامدهای منفی آن که از این رهگذر متوجه جامعه شده و آمار و ارقام به خوبی آن را نشان داده و حکایت می‌کند، به ضرورت رعایت حجاب استدلال کرده و آن را حریم امن برای اعضای جامعه و رشد و سلامت خانواده و اجتماع دیده و معرفی کرده‌اند. عده‌ای دیگر حجاب را تکلیفی الهی تلقی کرده و در انجام رعایت آن، مثل سایر واجبات الهی، خود و دیگران را ملزم می‌دانند. البته طرح و دسته‌بندی نظریات به معنای مخالفت آنها با یکدیگر نیست؛ به گونه‌ای که قابل جمع نباشد (وقاری، 1396). رعایت حجاب را همه قبول دارند، منتها هر دسته از زاویه‌ای خاص بر ضرورت آن استدلال کرده‌اند. (محمدی، 1385: 50)

حجاب و پوشش اسلامی برای مردان و زنان، تنها کارکرد فردی ندارد و فقط در ساماندهی خلیات و ملکات نفسانی آدمیان مؤثر نیست، بلکه از کارکرد اجتماعی نیز برخوردار است؛ غرایز، التهابهای جسمی و معاشرتهای بی‌بندوبار را کنترل کرده، بر تحکیم نظام خانواده می‌افزاید. همچنین از انحلال کانون مستحکم و پایدار زناشویی جلوگیری کرده و امنیت اجتماعی را فراهم می‌سازد. طی سالهای پس از انقلاب اسلامی، بر اثر آسیب‌پذیری درونی جامعه و تهدیدهای بیرونی، انتقال فرهنگی حجاب با اختلال مواجه شد و عدم رعایت حجاب اسلامی، موجب جریحه‌دار ساختن وجدان جمعی و تبدیل آن به عنوان مسئله‌ای اجتماعی شد (مجویی‌منش، 1386: 94). بدون شک، پدیده برهنگی، بیماری عصر ماست. دیر یا زود این پدیده به عنوان یک بیماری شناخته خواهد شد (مطهری، 1385: 12). اصولاً طبع هر انسانی طالب کشف تنوع است. وقتی زنان به شکل امروزی مکشوفه باشند، چیزی برای جلب توجه مرد باقی نمی‌گذارند. (محمدی‌نیا، 1389)

8 ♦ مطالعه علل گرایش ایرانیان به فرهنگ حجاب

در هر فرهنگی برخی از عناصر حالت ویژه پیدا کرده، به نمادی آشکار برای آن فرهنگ تبدیل می‌شوند. برای مثال، در فرهنگ سرمایه‌داری سعی در ارائه تبلیغات علیه پوشش زنان و حمایت از ترویج برهنگی است و متصدیان فرهنگی اساساً سعی بر جدا کردن زن از حریم عفاف، حیا و... دارند؛ بر عکس، یکی از نمادهای فرهنگی در جامعه ایران، پوشش اسلامی است و چون یکی از ارزشهای اساسی نظام اسلامی است، به یک الگوی رفتاری عام در جامعه تبدیل شده است. پوشش و رعایت هنجار حجاب در جامعه ایرانی به دلیل بافت دینی، ساختار فرهنگی و الگوی حکمرانی، جزء قوانین کشوری است. در کنار اینکه جامعه به دلیل زیست‌فرهنگی، آن را جزیی از الگوهای سبک زندگی خود می‌داند؛ قوانین کشور نیز بر ضرورت حفظ حجاب و رعایت آداب پوشش در محافل اجتماعی، تأکید وافر دارد. حجاب به عنوان امری فرهنگی و هنجاری عام در نهادهای اجتماعی پذیرفته شده و جامعه به دلیل دینی بودن رعایت حجاب، آن را به عنوان یک شیوه و الگوی عملی نهادینه کرده است. با توجه به اینکه درباره عوامل مؤثر بر فرهنگ حجاب فراتحلیل جامعی صورت نگرفته و تحقیقات به صورت موردی، وضعیت حجاب و عوامل مؤثر بر آن را بررسی کرده‌اند، لذا تحقیق حاضر برای کاهش میزان پراکندگی در سطح جغرافیایی و ارائه نتایج کاربردی - تجربی کلی از تحقیقات (23 مورد)، اقدام به انجام فراتحلیل کرده است. در نهایت، هدف اصلی تحقیق، مطالعه عوامل مؤثر بر گرایش جامعه ایران به فرهنگ حجاب در بازه زمانی 1399-1391 است.

ب) مبانی و رویکردهای نظری

1. حجاب

واژه حجاب در فرهنگ فارسی در سه معنای پرده و ستر؛ نقابی که زنان چهره خود بدان پوشانند؛ روپند، برقع؛ چادری که زنان سر تا پای خود را بدان پوشانند؛ آمده است (مبین، 1342). حجاب در اصطلاح، پوششی است که اعضای بدن زن را که زنده می‌نماید، پوشاند و مطابق با دستورات دین اسلام باشد (فاضلیان، 1389: 74). حجاب، هم به معنی پوشیدن و هم به معنی پرده است؛ اما کاربرد آن بیشتر در معنای پرده است و این کلمه از بدان سبب معنی پوشش می‌دهد که پرده، وسیله پوشش است و آن پوشش، حجاب نامیده می‌شود که با پشت پرده واقع شدن صورت می‌گیرد. (مهدیان‌نسب و معینی، 1395)

جدول 1: لایه‌های مفهومی حجاب به مثابه کنش اجتماعی

وجود عینی	کنش اجتماعی	حجاب یا پوشش	عمل پوشش توسط کنشگر در عرصه عمومی با سوگیری ارزشی
وجود اعتباری	فعالیت اجتماعی	ارزش نمادین	ارتباطات غیرکلامی: ژست، نگاه، طرز راه رفتن و...
وجود ذهنی	ضوابط اجتماعی	اخلاقی، هنجار اجتماعی، قواعد (ضوابط، قواعد رسمی و غیر رسمی)	زنان باید حجاب را رعایت کنند
	معانی مقوم	ارزشها	کرامت زن در حفظ حیا و عفاف است
	مفاهیم بنیادین	باورها	جهان بینی اسلامی (اعتقاد به اصول دین)

9 سید علی میرلوحی و همکاران

بر این اساس، در معنای لغوی حجاب دو مفهوم قابل تمایز از هم وجود دارد: مفهوم اول، جدا کردن دو چیز، مرز گذاشتن میان آنها و فاصله انداختن بین دو امر است که این معنا از واژه‌های حائل، مانع مستفاد است. مفهوم دوم، پنهان کردن، پوشاندن و از مقابل دیده‌افراد خارج کردن است که این معنا از کلمه «ستر» و مانند آن قابل استفاده است (نائینی و عامری، 1386: 116). اما استفاده از واژه حجاب برای پوشش زن، اصطلاح نسبتاً جدیدی است؛ معنای اصطلاحی جدید این واژه، عبارت از پوششی است که زن در برابر نامحرمان باید استفاده کند و از جلوگیری و خودنمایی بپرهیزد. (علی‌مردی و علی‌مردی، 1389: 119)

2. مطالعات حجاب در ایران

تحقیقاتی که بعد از انقلاب اسلامی با رویکرد پیمایشی در زمینه سنجش گرایش ایرانیان به حجاب تا 1400 در پایگاه علمی (مقالات منتشره) انجام گرفته، در جدول 2 ارائه شده است.

جدول 2: مطالعات حجاب در ایران

نویسندگان	عنوان
عبدالمنافی و سلیمانی (1399)	عوامل مؤثر بر آگاهی از مد و مصرف مد حجاب (مورد مطالعه: زنان شهر اصفهان)
نعمتی‌فر و صفویانی (1398)	تأثیر استفاده از شبکه‌های اجتماعی بر حجاب و پوشش کاربران با تأکید بر ابعاد دین‌داری
تیک‌بخش (1398)	تحلیل جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر گرایش به حجاب
مهدوی و سیدشرافت (1397)	تحلیل نوع نگرشها به فرهنگ حجاب و عفاف در ورزش بانوان
صدیق‌اورعی و همکاران (1397)	نگرش و موضع زنان و دختران مشهدی به حجاب
عسکریان و همکاران (1397)	نقش تربیت اخلاقی در رعایت حجاب دانشجویان دختر دانشگاه کاشان
حسین‌زاده و همکاران (1397)	رابطه عوامل اجتماعی و فرهنگی و نگرش به هنجار پوشش اسلامی (حجاب)
صدر و معتمدی (1396)	رابطه جهت‌گیری مذهبی با نگرش به حجاب و خودمهارگری در دانشجویان
مثنی (1396)	نقش رسانه‌های جمعی در گسترش فرهنگ حجاب و عفاف زنان
محمدی و همکاران (1396)	تحلیل الگوی پذیری دانش‌آموزان از حجاب معلمان در مدارس آموزش و پرورش
دشتی و همکاران (1395)	رابطه سلامت معنوی با نگرش دانشجویان دختر دانشگاه علوم پزشکی همدان در مورد حجاب
خدادی و احمدی (1394)	نقش عوامل فرهنگی و رسانه‌ای در پیش‌بینی حجاب زنان؛ مطالعه‌ای ملی
ذبیحی (1393)	مؤلفه‌های جامعه‌پذیری حجاب (مطالعه موردی: دانش‌آموزان دبیرستانی شهر قم)
مولایی و یوسف‌وند (1393)	بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر گرایش به حجاب
خوشخویی و همکاران (1392)	رابطه میزان استفاده از رسانه‌های ارتباطی و گرایش دانشجویان دختر دانشگاه بوعلی سینا به حجاب
صالح‌آبادی (1392)	بررسی جامعه‌شناختی حجاب زنان در شهر اسفراین اعتماد و حجاب
طیبی‌نیا و احمدی (1392)	مدل‌یابی معادلات ساختاری حجاب و عفاف
افسری (1391)	عوامل مؤثر بر ارتقای سطح حجاب و عفاف (دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر)
خواججه‌نوری و همکاران (1391)	گرایش به حجاب و سبکهای متفاوت زندگی (مطالعه موردی: زنان شهر شیراز)
رجالی و همکاران (1391)	نگرش دانشجویان دختر نسبت به حجاب و پوشش زنان و برخی عوامل مؤثر بر آن

10 ♦ مطالعه علل گرایش ایرانیان به فرهنگ حجاب

کنشهای اجتماعی زنان و دختران نسبت به حجاب و رابطه آن با مصرف اینترنت و ماهواره	رحمانی (1391)
بررسی عوامل معرفتی مؤثر بر پوشش و حجاب اسلامی	زنجانی و احسانی (1391)
تحلیل جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر گرایش به حجاب	شارع‌پور و همکاران (1391)

3. پیر بوردیو

تلاش بوردیو¹ برای از میان برداشتن فاصله میان ذهنیت‌گرایی و عینیت‌گرایی، در مفاهیم ساختمان ذهنی و زمینه و نیز تعامل دوطرفه نهفته است؛ در حالی که ساختمان ذهنی در اذهان کنشگران وجود دارد، زمینه در خارج از ذهن آنها جای دارد (ریتر، 1385:720). از نظر بوردیو، سرمایه فرهنگی قابل تفکیک به سه مقوله است:

1. سرمایه فرهنگی درونی‌شده: بیانگر چیزهایی است که افراد می‌دانند و می‌توانند انجام دهند. در واقع؛ سرمایه فرهنگی درونی‌شده، توانایی‌های بالقوه‌ای است که به تدریج بخشی از وجود فرد شده و در او تثبیت شده است.

2. سرمایه فرهنگی عینی: از جمله کالاهای فرهنگی و اشیای مادی؛ از قبیل کتاب، نقاشی و آثار فرهنگی.

3. سرمایه فرهنگی نهادینه‌شده: از جمله صلاحیتهای تحصیلی که در قالب مدارک و مدارج تحصیلی نمود عینی پیدا می‌کند و به دارنده آنها، هم از نظر قانونی و هم از نظر عرفی، ارزش اجتماعی و تعریف شده می‌دهد. (سیوفی کور، 1387:56)

در جهان امروز، وسایل ارتباط جمعی مانند روزنامه، رادیو، تلویزیون و سینما و اخیراً اینترنت، با انتقال اطلاعات و شکل‌دهی افکار عمومی، در توسعه و تغییر فرهنگ و تمدن بشری نقش بزرگی را ایفا می‌کنند؛ به گونه‌ای که کمتر حادثه و جریان مهم اجتماعی را می‌توان یافت که رسانه‌ها در پیدایش و شکل‌گیری آن هیچ نقشی ایفا نکرده یا حداقل در گسترش، نشر یا کنترل آن سهمی نداشته باشند. برلسون² و جان ویتس³ درباره اثرگذاری وسایل ارتباط جمعی می‌نویسند: اثرگذاری وسایل ارتباط جمعی بسیار وسیع و گوناگون است. این آثار ممکن است در درازمدت یا کوتاه‌مدت بروز نمایند؛ ممکن است قوی یا ضعیف باشد؛ این آثار ممکن است از جنبه‌های مختلفی که در محتوای ارتباطات وجود دارد، نشأت گیرد؛ ممکن است روانی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی باشد و همچنین احتمال دارد روی عقاید، ارزشها، مهارتها، سلیقه‌ها و رفتارهای ظاهری تأثیر بگذارد. (شیوایی و رضایی، 1386:5)

یکی از عوامل کاهش تمایل مردم به دین، نظام و سازمان دین، یعنی روحانیت است. از آنجا که امروز تصمیم‌گیری درباره تمام شئون جامعه (چه در سیاستهای کلی و چه جزئی) زیر چتر مذهب و در قالب نظام

1. Pierre Bourdieu

2. Bernard Berelson

3. Jan Witz

11 ♦ سید علی میرلوحی و همکاران

ارزشی - سازمانی محدوده قدرت تفکر و تخصص روحانیت انجام می‌گیرد، کوچک‌ترین اشتباه در سیستم مذهب، نه فقط خود آن را تضعیف می‌کند، بلکه سرنوشت تمام بخشهای جامعه را در حال و آینده نیز تعیین می‌کند (رفع‌پور، 1376)؛ بنابر این، رضایت افراد یک جامعه از عملکرد سران مذهبی آن جامعه و مسئولان دولتی می‌تواند بر نگرش افراد و نقش مذهب تأثیرگذار باشد. مشخص است که وقتی مردم تحت فشار مادی و فقر زیاد قرار گیرند، کم‌وبیش یا دیر یا زود تمایلشان نسبت به مسببان این فشار و کسانی که از نظر آنان مستقیم یا غیر مستقیم با این فشار در رابطه‌اند، کم خواهد شد. (همان: 31)

طبق نظریه بوردیو، نیروی محرکه اعمال و رفتار روزمره هر فرد، عادت‌واره‌های اوست (نادی، 1388: 96). تفاوت در عادت‌واره‌هاست که تفاوت در رفتارها و عقاید میان افراد یا گروه‌ها را باعث می‌شود؛ زیرا در صورت وجود عادت‌واره‌های مشترک بین افراد، گروه و طبقه شکل می‌گیرد (بوردیو، 1380: 37). عادت‌واره‌ها، عمل را نه به صورت تحمیل، بلکه به صورت یک ضرورت منطقی پیش می‌برد (همان: 300). تأثیر عادت‌واره‌ها در اعمال شخص، طوری است که گویا شخص از نوعی محاسبه عقلانی یا قاعده‌ای تبعیت کرده است. بدین معنا، کنش سنتی حجاب، ناشی از نوعی عادت کنش است که در اثر تکرار در فرد درونی شده است. کنش سنتی، چهار مؤلفه درونی کردن گذشته، تقلید، وفاداری و مراجعه به گذشته و عرف تاریخی را شامل می‌شود. کنش سنتی نسبت به حجاب نیز همین مؤلفه‌ها را دارد و فرد با توجه به این ابعاد، اقدام به پذیرش یا رد حجاب می‌کند. درونی کردن، خود جلوه‌ای از کنش سنتی است؛ نوعی حفظ کردن و به خاطر سپردن که در بطن احساسات به نسبت عمیق و اجتماعی برانگیخته شده صورت می‌گیرد. تقلید، شکل آشکار کنش سنتی است و صرف انرژی برای تکرار گذشته در حال است. وفاداری فی‌نفسه مسبوق به گذشته است که پس از آشنایی با دیگران و آثار آنها ظاهر می‌شود. وفاداری موجب آشنایی نمی‌شود، بلکه بر عکس، آشنایی سبب وفاداری می‌شود؛ بنابر این، اساساً وفاداری ناظر به گذشته است، هرچند ادامه و بسط آن به آینده نیز سرایت کند. مراجعه به گذشته، نمودی از کنش سنتی و بازگشتی نمادی به گذشته و رجوع عاطفی به میراث تاریخی جامعه است. (جلبی، 1384: 25)

4. نظریه فمینیسم

فمینیسم از مظاهر تمدن مدرن غرب و اقتضای آن است؛ زیرا تجدد، پدید آمدن شرایط و امکان کوشیدن و تدبیری است که بشر با غفلت از هر قدرتی، ورای قدرت بشری و مرجعی غیر از خود، برای تحکیم موقعیتی خود در عالم و تصرف در طبیعت و سامان دادن به امور زندگی به خرج داده است، و گرنه همیشه همه مردم می‌دانستند که آزاد بودن بهتر از برده بودن است و داشتن غذا، مسکن و وسایل راحت با نداشتن آنها یکی نیست. پس ظهور تجدد موقوف به پدید آمدن این تشخیص نبوده و حتی ربطی به آن ندارد. در حقیقت؛ تجدد، نگاه تازه بشر به خود و عالم و یافتن امکانهای تازه‌ای در وجود خود و عالم است. با این نگاه، بشر در خود، قدرت و اراده تصرف و تغییر در همه چیز را دیده و عالم متجدد با این اراده بنا شده

12 ♦ مطالعه علل گرایش ایرانیان به فرهنگ حجاب

است. تا قبل از این، اراده خدا بود که باید و نباید را تعیین می کرد؛ اما بشر مدرن، استمرار وجود خدا را در زندگی خویش نپسندید و عقل و حس را به تنهایی قانونگذار زندگی خویش کرد.

تمدنی که از وحی و عقل قدسی به عنوان فراعقل محروم بود، با شکست آزمونهای پی در پی از عقل نظری و عملی هم بی بهره شد و به عقلی روی آورد که دیگر داعیه حقیقت یابی ندارد و آن، عقل ابزاری و تکنیکی است. ماکس وبر، شاخصه دنیای مدرن را در این عقلانیت ابزاری می داند (جعفری، 1381). این نظم نوین، ادبیات، فرهنگ، معماری و مهندسی اجتماعی خاص خود را دارد. خانواده به عنوان بازتابی از تفکر سنتی، حذف می شود. این عصر، عصر پسازدواج و پساخانواده است.

از آنجا که پدیده مادران مجرد، پدران غایب و فرزندان تک سرپرست و ازدواج، مربوط به دوره گذار فمینیست است؛ در نهایت، مفاهیم کهنه و قدیمی پدر، مادر، فرزندان، خواهر، برادر و غیره، از مجموع افراد تلقی می شود. افراد به صورت ذرات اتم، منفک و تنها در کنار یکدیگر جمع شده اند؛ اضطراب لذت و سود، آنها را گرد هم آورده است. در این ساختار نوین، خانه وجود ندارد؛ خانه ها جای خود را به قفسهایی به نام آپارتمان داده اند که هر روز کوچک تر و کوچک تر می شوند. معماری شهرها به گونه ای است که انسان نمی تواند زمان زیادی در آپارتمانش بماند و این از نظر روان شناختی، بیشتر انسانها را تشویق به ترک خانه می کند. دولت، نقشهای والدگری را به عهده گرفته است. خانه کارکرد چندانی ندارد؛ خوابگاه است و محلی برای صرف قهوه و غذای آماده. واقعیت آن است که مرد شدن زنان یا زنانه شدن جهان، همزیستی بدون ازدواج، سکس، صنعت سقط جنین، همه و همه فرع بر اصول تمدنی است که در تکاپوی ساختن عالمی و آدمی نو است و اراده ای مستقل از آن برای به وجود آمدن فمینیسم نبوده است. آنگاه که این تمدن به خانواده و اجزای آن نظر می دهد، فمینیسم به وجود می آید و چون بنیادی ترین عضو برای بقای این بخش، زن است؛ او را باید مطابق معیارهای نظم نوین، آگاه و باسواد کرد تا شهروندان مطیع این جهان نوین به وجود آیند.

برخی از دستاوردهای جنبش فمینیسم برای زنان عبارتند از: حق رأی، حق سقط جنین، طلاق بدون تقصیر (برای زن و مرد)، استقلال مالی، آزادی جنسی، حضور گسترده زنان در سیاست و اجتماع و اقتصاد، افزایش سن ازدواج، افزایش زندگی های مجردی، اضمحلال خانواده، افزایش طلاق، ایجاد حس ستیزه جویی بین دو جنس، تخریب زنانگی و بحران هویت زنان، تضعیف مردانگی، برداشتن مرز خصوصی و عمومی (خانه و جامعه)، رواج همجنس بازی، ظهور پدیده زنانه شدن فقر، ظهور و افزایش بیماری های مختلف جسمی و روحی زنان، ابزاری شدن زنان در خدمت منافع سرمایه داران با ایجاد صنعت سقط جنین، صنعت سکس و پورنوگرافی و صنعت روابط جنسی. از مهم ترین نگرشهای فمینیستی نیز آزادی مطلق و شاید مردگونه در پوشش و آرایش است. (رجبی، 1379)

5. نظریه خرده فرهنگها¹

بر اساس این نظریه، تعلق هر چند ذهنی فرد به خرده فرهنگی نسبتاً ناهمگون با فرهنگ غالب، به ویژه اگر با رضایتمندی همراه باشد و فرد از رهگذر این همسویی، به پادشاهای روانی خوشایند و ارضاکننده‌ای دست یابد، رفته رفته سبب می‌شود فرد از التزام به اقتضاهای فرهنگ غالب چشم‌پوشد و به بی‌مسئولیتی در قبال ایفای تعهدات فرهنگی روی آورد. کلوارد و اوهلین یادآور می‌شوند که دست‌یازیدن نوجوانان بزهکار به رفتارهای کج‌پروانه ممکن است برای آنان نوعی توفیق اجتماعی را در پی داشته باشد و تأیید اعضای خرده فرهنگ یا گروهی کج‌رو که آن را خرده فرهنگ یا گروه خودی می‌پندارند، انواعی از رضایت خاطر این کج‌روان نیز معمول و احترام را برای آنان به ارمغان آورد و این امر، احتمال استمرار آن رفتارها را تقویت کند. (سلیبی، 1380: 445)

این نظریه، برای تبیین بدحجابی زنان طبقه اشراف، افراد غیر معتقد به هنجارهای ملی و مذهبی و جوانان تنوع‌طلب که برای قواعد اخلاقی و ارزشهای جمعی، حرمت و اعتبار چندانی قائل نیستند و برای جلب توجه و ارضای هیجانهای خود، بی‌پروا و گاه مفتخرانه به نقض قواعد اجتماعی دست می‌زنند، به کار رفته است. بر اساس این نظریه، تعلق فرد به یک خرده فرهنگ ناهمگون با فرهنگ غالب، به ویژه اگر با رضایتمندی همراه باشد و فرد از رهگذر این همنوایی به پادشاهای روانی دست یابد، رفته رفته سبب می‌شود فرد از التزام به اقتضاهای فرهنگ غالب چشم‌پوشد. چنانچه فرد بتواند فشار سنگین ناشی از تقابل میان اقتضاهای ناهمخوان این دو جریان فرهنگی را تحمل کند و برای آن توجیه کافی داشته باشد، به احتمال بسیار، تقاضای خرده فرهنگ یادشده را به زبان فرهنگ غالب، اجابت و از ایفای الزامات شهروندی شانه خالی خواهد کرد. دست‌یازیدن نوجوانان بزهکار به رفتارهای کج‌روان ممکن است برای آنان نوعی توفیق اجتماعی را در پی داشته باشد. (یک‌بخش، 2014)

مطابق دیدگاه هیرشی،² اگر میزان تعلقات و پایبندی افراد به ارزشهای دینی بیشتر باشد، به همین میزان انحرافات اجتماعی نظیر بی‌حجابی کاهش می‌یابد؛ بنابر این، آمادگی ذهنی در پذیرش یا عدم پذیرش مقوله حجاب، فرد را طبق این دیدگاه، با ارزشهای دینی و اجتماعی حجاب همسو یا غیر همسو خواهد ساخت؛ که در صورت همسویی، همنوایی کامل بین پذیرش ارزشهای دینی و اجتماعی جامعه و سطح تعلقات فردی شکل خواهد گرفت. با این تعاریف، نوع نگاه و نگرش به حجاب در جامعه آماری مد نظر، در آمادگی پذیرش اجتماعی هم‌نوا با ارزشهای جمعی، قابل کنترل و شناسایی است. طبق نظر اندیشمندان کلاسیک، ظرفیتهای فکری و اخلاقی زنان در این باره، متفاوت از مردان است (جلالی‌پور، 1378). تا زمانی که

1. Sub-Culture
2. Haeirchei

14 ♦ مطالعه علل گرایش ایرانیان به فرهنگ حجاب

زندگی زنان بر مراقبت از خانه و خانواده متمرکز است، تجربیاتشان حول آن تجربه خاص شکل می‌گیرد. تبیینهای مختلفی از انحراف اجتماعی ارائه شده است؛ از جمله تبیینهای زیست‌شناختی، روان‌شناختی و اجتماعی. در تبیین زیست‌شناختی، محور اصلی موضوع، ویژگی‌های بیولوژی و زیست‌شناسی فرد منحرف است که در آن، ساختمان بدن تا عوامل ژنتیک شخص کج‌رو بررسی می‌شود. (بک‌بخش، 2014)

ج) روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع فراتحلیل است. در این روش، محقق با ثبت ویژگی‌ها و یافته‌های تحقیقات پیشین در قالب مفاهیم کمی، آنها را برای استفاده از روشهای آماری آماده می‌کند. فراتحلیل در پی سنجش میزان اندازه اثر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته مشابه در پژوهشهای انجام شده است. این روش به کمک نرم‌افزار CMA2، مطالعات پیمایشی را از طریق روش کوهن ترکیب کرده و یک معیار عددی (مقدار اثر پژوهش) به دست می‌آورد. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه پژوهشهای انجام شده در ایران طی سالهای 1391-1399 با موضوع حجاب یا فرهنگ حجاب (سنجش حجاب در بین شهروندان) است که در پایگاههای اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی، بانک اطلاعات نشریات کشور و پایگاه مجلات تخصصی نورمگز و مگیران منتشر شده‌اند. تعداد مقالات علمی قبل از مرحله غربال، 28 مطالعه را شامل می‌شد که پس از بررسی، 23 مطالعه پژوهشی علمی متناسب با ملاکهای فراتحلیل (ضریب همبستگی، کیفیت پژوهش، سطح معناداری، حجم نمونه، اعتبار و روایی پژوهش، روش پیمایش) انتخاب شدند. به منظور گردآوری داده‌های مورد نیاز برای فراتحلیل، از فرم کدگذاری استفاده شد که معادل پرسشنامه یا فرم مصاحبه در انواع دیگر تحقیقات است. اطلاعات این فرم پس از دسته‌بندی، سنخ‌شناسی و توصیف متغیرهای پژوهش، برای تعیین اندازه اثر و ضریب همبستگی آن، وارد نرم‌افزار CMA2 شده و تجزیه و تحلیل شدند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

(د) یافته‌های پژوهش

1. یافته‌های توصیفی پژوهش

یک) ساختار روش‌شناسی مطالعات

جدول 3: دسته‌بندی پژوهش‌های فراتحلیل

حجم نمونه	جامعه آماری	شیوه	نویسنده
384	زنان اصفهانی	دردسترس	عبدالمنافی و سلیمانی (1399)
540	کاربر اینستاگرام (بین‌المللی)	تصادفی	نعمتی‌فر و صفورایی یاریزی (1398)
300	زن لالی	غیر احتمالی و هدفمند	نیک‌بخش (1398)
300	زن ورزشکار آذربایجان شرقی	تصادفی تمام‌شمار	مهدوی و سیدشرافت (1397)
29	زنان و دختران مشهدی	تصادفی	صدیق‌اورعی و همکاران (1397)
344	دانشجوی دختر کاشانی	تصادفی طبقه‌ای	عسکریان پیدگلی و همکاران (1397)
398	دانشجوی کاشانی	تصادفی سهمیه‌ای	حسین‌زاده و همکاران (1397)
382	دانشجویان تهرانی	تصادفی چندمرحله‌ای	صدر و محمدی (1396)
681	دانشجویان و کارکنان قائم‌شهری	تصادفی طبقه‌ای	متانی (1396)
380	دختران دانش‌آموز دهگلانی	خوشه‌ای تصادفی	محمدی و همکاران (1396)
160	دانشجوی دختر همدانی	طبقه‌ای	دشتی و همکاران (1395)
2868	زنان و دختران کشوری	تصادفی چندمرحله‌ای	خدادی و احمدی (1394)
293	دختران دانش‌آموز قمی	تصادفی سهمیه‌ای	ذبیحی (1393)
251	دانشجوی دختر آبدانانی	تصادفی طبقه‌ای	مولایی و یوسف‌وند (1393)
354	دانشجوی دختر همدانی	تصادفی طبقه‌ای نسبی	خوشخویی و همکاران (1392)
390	زن اسفراینی	تصادفی ساده	صالح‌آبادی (1392)
1069	دانش‌آموز دختر همدانی	تصادفی چندمرحله‌ای	طیبی‌نیا و احمدی (1392)
200	دانشجوی دختر ابهری	تصادفی	افسری (1391)
508	زن شیرازی	تصادفی چندمرحله‌ای	خواججه‌نوری و همکاران (1391)
315	دانشجوی دختر اصفهانی	تصادفی	رجالی و همکاران (1391)
500	دانشجویان مرودشتی	تصادفی طبقه‌ای	رحمانی (1391)
384	جوانان تهرانی	تصادفی	زنجانی و احسانی (1391)
560	دانشجوی دختر مازندرانی	خوشه‌ای چندمرحله	شارح‌پور و همکاران (1391)

16 ♦ مطالعه علل گرایش ایرانیان به فرهنگ حجاب

دو سال اجرای تحقیقات

جدول 4: سال اجرای تحقیقات

سال	فراوانی	درصد
1399	1	4,3
1398	2	8,6
1397	4	17,3
1396	3	13
1395	1	4,3
1394	1	4,3
1393	2	4,36
1392	3	13
1391	6	26
جمع	23	100

بیشتر تحقیقات؛ یعنی 26 درصد، در بازه زمانی سال 1391 انجام شده‌اند.

سه (سه) قلمرو جغرافیایی مطالعات

جدول 5: قلمرو جغرافیایی مطالعات

مکان پژوهش	فراوانی	درصد
آبدانان	1	4,3
آذربایجان شرقی	1	4,3
ابهر	1	4,3
اسفراین	1	4,3
اصفهان	2	8,6
بین‌المللی	1	4,3
تهران	2	8,6
دهگلانی	1	4,3
شیراز	1	4,3
قائم‌شهر	1	4,3
قمی	1	4,3
کاشان	2	8,6
کشوری	1	4,3
لالی	1	4,3
مازندران	1	4,3
مرودشت	1	4,3
مشهد	1	4,3
همدان	3	13
جمع	23	100

بیشترین مطالعه در شهر همدان با 13 درصد انجام شده است.

چهار) جامعه آماری پژوهش

جدول 6: جامعه آماری پژوهش

گروه	فراوانی	درصد
کاربر	1	4,3
جوانان	1	4,3
زنان	5	21,7
زنان و دختران	2	8,6
دانشجویان	4	17,3
دانشجویان دختر	7	30,4
دانش آموزان دختر	3	13
جمع	23	100

بالاترین درصد فراوانی جامعه آماری، تحقیقات مربوط دانشجویان دختر (30,4) و پایین درصد مربوط به کاربران و جوانان (4,3) است.

پنج) دسته بندی روش نمونه گیری

جدول 7: روش نمونه گیری مطالعات

شیوه	فراوانی	درصد
تصادفی	14	60,8
خوشه ای چند مرحله	5	21,7
طبقه ای	1	4,3
غیر احتمالی و هدفمند	3	13
جمع	23	100

60 درصد تحقیقات از روش تصادفی استفاده کرده اند.

شش) سطح توسعه مکان مطالعه

جدول 8: سطح توسعه مکان مطالعه

استانها	فراوانی (شهر)	درصد
توسعه یافته	6	26
در حال توسعه	11	47,8
کمتر توسعه یافته	6	26
جمع	23	100

بیشتر تحقیقات به مناطق در حال توسعه با 47,8 درصد اختصاص دارد.

18 ♦ مطالعه علل گرایش ایرانیان به فرهنگ حجاب

هفت) فراوانی حجم نمونه مطالعات

جدول 9: فراوانی حجم نمونه مطالعات

درصد	فراوانی	حجم نمونه (نفر)
13	3	کمتر از 200
60,8	14	بین 200 تا 500
26	6	بالاتر از 500
100	23	جمع

بالاترین درصد حجم نمونه در پژوهشها، 60,8 (بین 200 تا 500 نفر) است.

هشت) وضعیت حجاب در ایران

جدول 10: وضعیت حجاب در ایران

درصد	سطح
56	بالا
32	متوسط
22	پایین
100	جمع

56 درصد از ایرانیان، گرایش بالاتری به رعایت حجاب، 32 درصد متوسط و 22 درصد گرایش کمتری نسبت به این مسئله دارند.

2. یافته‌های استنباطی پژوهش

جدول 11: اندازه اثر مطالعات حجاب در ایران

گزارش آماری					متغیر	
sig	Z	حد بالا	حد پایین	اندازه اثر		
0,001	4,365	0,400	0,143	0,346	میزان باور به الزام حجاب	عوامل فرهنگی
0,004	6,037	0,281	0,168	0,112	باورهای دینی	
0,000	9,210	0,465	0,100	0,216	ارزشی شدن حجاب	
0,004	10,134	0,982	0,452	0,144	سرمایه فرهنگی	
0,001	8,313	0,604	0,125	0,312	فرهنگ ازدواج آسان	
0,003	3,705	0,432	0,247	0,365	سطح تحصیلات	
0,000	4,805	0,700	0,378	0,231	آموزش اجتماعی	
0,001	6,257	0,355	0,191	0,289	سبک زندگی	
0,001	3,102	0,987	0,347	0,108	سبک فراغتی	
0,000	6,231	0,634	0,112	0,290	الگوی پوشش خانوادگی	
0,000	3,105	0,231	0,173	0,356	سلامت معنوی	عوامل روانی
0,000	8,678	0,765	0,236	0,209	عزت نفس اجتماعی	
0,001	6,172	0,602	0,366	0,190	میزان آگاهی از حجاب	
0,003	5,602	0,876	0,263	0,100	تصور از بدن	عوامل اقتصادی
0,000	16,43	0,390	0,103	0,188	طبقه اجتماعی	
0,000	4,109	0,203	0,155	0,431	رفتار متظاهرانه	
0,001	8,326	0,927	0,376	0,235	کسب پایگاه اجتماعی-اقتصادی	عوامل اجتماعی
0,000	3,152	0,035	0,367	0,107	تأیید اجتماعی	
0,002	11,631	0,809	0,476	0,243	جامعه‌پذیری حجاب	
0,000	5,03	0,400	0,167	0,143	الگوپذیری از دوستان	
0,000	14,09	0,500	0,125	0,200	اعتماد اجتماعی	
0,002	8,012	0,987	0,267	0,132	اعتماد رسانه‌ای	
0,000	6,124	0,360	0,262	0,166	استفاده از اینترنت	
0,001	3,368	0,702	0,109	0,387	رسانه‌های خارجی	
0,003	7,509	0,856	0,145	0,217	استفاده از ماهواره	

نتایج نشان می‌دهد که:

- بین عوامل فرهنگی و گرایش به حجاب رابطه معناداری هست. با افزایش میزان باور به الزام حجاب (0,346)، باورهای دینی (0,112)، ارزشی شدن حجاب (0,216)، سرمایه فرهنگی (0,144)، فرهنگ ازدواج آسان (0,312)، سطح تحصیلات (0,365)، آموزش اجتماعی (0,231)، سبک زندگی (0,289)، سبک فراغتی (0,108) و الگوی پوشش خانوادگی (0,290)، علاقه و دل‌بستگی ایرانیان به حجاب بیشتر می‌شود.

20 ♦ مطالعه علل گرایش ایرانیان به فرهنگ حجاب

- بین عوامل روانی و گرایش به حجاب رابطه معناداری هست. با افزایش سطح سلامت معنوی (0,356)، عزت نفس اجتماعی (0,209)، آگاهی از حجاب (0,190) و تصور مثبت از بدن (0,100)، علاقه و دل بستگی ایرانیان به حجاب بیشتر می شود.

- بین عوامل اقتصادی و گرایش به حجاب رابطه معناداری هست. بر این اساس، نوع طبقه اجتماعی (0,188) فرد در گرایش به حجاب مؤثر است؛ هرچه فرد در پی رفتار متظاهرانه (0,431) و کسب پایگاه اجتماعی - اقتصادی (0,235) باشد، به همان میزان به سمت حجاب گرایش بیشتری پیدا خواهد کرد.

- بین عوامل اجتماعی و گرایش به حجاب رابطه معناداری هست. هرچه افراد در جامعه نیاز به تأیید اجتماعی داشته باشند (0,107)، در رعایت حجاب تلاش می کنند. جامعه پذیری حجاب (0,243)، الگوپذیری از دوستان (0,143)، اعتماد اجتماعی (0,200)، اعتماد رسانه ای (0,132) و استفاده از اینترنت (0,166)، رسانه های خارجی (0,387) و ماهواره (0,217)، در وضعیت و میزان تمایل ایرانیان به امر حجاب مؤثر است.

اندازه اثر کلی پژوهش

جدول 12: اندازه اثر عوامل مؤثر بر حجاب ایرانیان

عوامل	اندازه اثر r	نوع اثر	مقدار Z	sig
اجتماعی	0,157	تصادفی	15,098	0,000
فرهنگی	0,200	تصادفی	10,763	0,003
روانی	0,140	ثابت	19,102	0,002
اقتصادی	0,380	ثابت	23,162	0,004
کل	0,241	تصادفی	16,341	0,001

نتایج نشان می دهد که عوامل اجتماعی 15 درصد، فرهنگی 20 درصد، روانی 14 درصد و اقتصادی 38 درصد از گرایش ایرانیان به حجاب را تبیین می کنند و در مجموع، اثر کلی با 24 درصد است.

ه) بحث و نتیجه گیری

حجاب، بین افراد جامعه پیوند ایجاد می کند و نماد فرهنگ، مناسک و آیینها تلقی می شود. امروزه حجاب به عنوان الزام اجتماعی و بخش جدایی ناپذیر هویت و فرهنگ اسلامی، نه تنها بر عصمت و پاکی دلالت دارد؛ بلکه به عنوان سپر حمایتی، از زن و مرد و در واقع کل جامعه، در برابر تباهی و فساد محافظت می کند. حجاب و پوشش اسلامی برای مردان و زنان تنها کارکرد فردی ندارد، بلکه از کارکرد اجتماعی

سید علی میرلوحی و همکاران ♦ 21

نیز برخوردار است؛ غرایز، التهابهای جسمانی و معاشرتهای بی‌بندوبار را کنترل کرده، بر تحکیم نظام خانواده می‌افزاید. همچنین از انحلال کانون مستحکم و پایدار زناشویی جلوگیری کرده و امنیت اجتماعی را فراهم می‌سازد (مثنی، 1396). پوشش اسلامی به عنوان غذای روح و به منزله حفاظ ظاهری و باطنی در برابر افراد نامحرم تلقی می‌شود که پیشینه آن به اندازه تاریخ آفرینش انسان است؛ زیرا پوشش و لباس هر انسانی، پرچم کشور وجود اوست؛ پرچمی که بر خانه وجودش نصب کرده و با آن اعلام می‌دارد که از کدام فرهنگ تبعیت می‌کند. (فسری، 1391)

جامعه ایران بعد از انقلاب، به حجاب به عنوان یک مسئله مهم توجه کرده و برای آن، آیین‌نامه‌ها، دستورالعملها و قوانین مخصوصی تدوین کرده است. در واقع؛ حجاب به عنوان یک هنجار عمومی، به قانون تبدیل شده، اما چگونگی آن همچنان محل اختلاف در سیاستگذاری فرهنگی است. این امر، شکل و قالب و الگوی خاص، ثابت و جهان‌شمولی ندارد، اما کلیت آن، به عنوان یک الگوی فرهنگی، امری پذیرفته شده و همگانی است و جامعه نیز به دلیل بافت و ساختار فرهنگی و جغرافیایی دینی خود، بدون اجبار و مبتنی بر سلاقی و ذائقه اجتماعی خود، آن را جزئی از سبک زیست خود کرده است. گذار جامعه از نقطه انقلاب طی 40 سال اخیر به 1400، شاهد گذار در ترجیحات ارزشی و هنجاری جامعه شده و شکل حجاب از حالت ساختاری، به عاملیت (کنشگرانه، فردی و سلیقه و ذائقه اجتماعی) تحول یافته است. ایران نیز در دهکده جهانی قرار دارد و جهانی جدا از دهکده مک‌لوهان نیست. مسافرت، مهاجرت، ماهواره، رسانه‌های برون‌مرزی و جهانی، روند الگوی حجاب را دچار تغییرات اساسی کرده‌اند. شکل حجاب، رفتار فرهنگی، نگرش به حجاب، کاسته شدن از حساسیت به نحوه پوشش در نهاد خانواده، سازمانها و ادارات، همگام با وقایع جهانی و تحولات ارزشی جغرافیای جهانی، در باطن و محتوای عمل، زیست فعلی را پذیرفته است. به قول دورکیم، گذار جهان از آیین سنتی به مدرنیته، همراه با گذار از شدت، حساسیت و واکنش تند وجدان جمعی با مسائل اجتماعی و فرهنگی است. جامعه ایرانی، حجاب را در بدنه خود پذیرفته و با آن زیست می‌کند. حجاب در جامعه ایرانی به دلیل ساختار دینی و فرهنگی ملت، در آینده نیز همچنان مسئله اصلی فرهنگی خانواده، نظام سیاستگذاری و حکمرانی در برابر هجوم و سلطه فرهنگ برون‌مرزی خواهد بود. بر این اساس، هدف اصلی این تحقیق، مطالعه عوامل مؤثر بر گرایش جامعه ایران به فرهنگ حجاب در بازه زمانی 1391-1399 است.

22 ♦ مطالعه علل گرایش ایرانیان به فرهنگ حجاب

1. یافته‌های توصیفی

- 26 درصد در بازه زمانی سال 1391 انجام شده است.
- بیشترین مطالعه در شهر همدان با 13 درصد انجام شده است.
- دانشجویان دختر (30,4) بالاترین و کاربران و جوانان (4,3) کمترین درصد را در جامعه پژوهش تشکیل می‌دهند.
- 60,8 درصد تحقیقات از روش تصادفی استفاده کرده‌اند.
- بیشتر تحقیقات به مناطق در حال توسعه با 47,8 درصد اختصاص دارد.
- بالاترین حجم نمونه؛ یعنی 60,8 درصد، بین 200 تا 500 نفر قرار دارد.
- 56 درصد از ایرانیان گرایش بالاتری به رعایت حجاب، 32 درصد گرایش متوسط و 22 درصد گرایش کمتری به این مسئله دارند.

2. یافته‌های تحلیلی

- نوع نگرش و باور به الزامی بودن حجاب (الزام دینی و هنجاری) در جامعه، باعث می‌شود افراد گرایش بیشتری به رعایت حجاب داشته باشند.
- باورهای دینی و پایبندی به آن، بسترهای عمیق شدن رعایت حجاب در جامعه را ممکن می‌سازد. هرچه سطح دینی جامعه قوی‌تر باشد، حجاب به عنوان یک مؤلفه مهم زیست جمعی پذیرفته خواهد شد.
- ارزشی شدن یک واقعیت، به قانونی شدن آن به صورت یک سبک رفتاری در جامعه کمک می‌کند. هرچه حجاب به عنوان یک امر ارزشی، جدی تلقی شود، رعایت آن نیز الزامی خواهد شد.
- سرمایه فرهنگی، افزایش آگاهی و دانش نسبت به حجاب و مسائل مرتبط با آن، باعث باور و نهادینه شدن آیین حجاب خواهد شد.
- ازدواج یکی از بنیادهای اصلی تداوم روابط اجتماعی، پایداری نظام خانواده و ایجاد جامعه مطلوب و شایسته و بهنجار است. آسان شدن فرایند ازدواج، کاهش هزینه‌های اقتصادی و فشارهای اجتماعی و فرهنگ شدن و هنجار شدن ازدواج به مثابه یک اصل ساده و آیین اسلامی، باعث مهم شدن و همگانی شدن فرهنگ حجاب خواهد شد.

سید علی میرلوحی و همکاران ♦ 23

- افزایش سطح تحصیلات و مجهز شدن به دانش و علم، باعث می‌شود جامعه از روی تحقیق، آگاهی، عقلانیت و استدلال، حجاب را رعایت و ترویج کند.
- آگاه‌سازی جامعه از طریق آموزش و برگزاری دوره‌های آموزشی - تربیتی در خانواده و دانشگاه توسط نهادهای مدنی و غیر دولتی، در بهتر شدن فرهنگ حجاب و کاهش مخالفت با آن، مؤثر است.
- سبک زندگی در جامعه، رواج یافتن الگوهای ساده‌زیست، دینی شدن زندگی و مقابله با زندگی تجملاتی و غربی، به ترویج حجاب در جامعه کمک می‌کند.
- هرچه سبک فراغتی جامعه، به اصول دینی، هنجاری و اسلامی جامعه نزدیک‌تر باشد، حجاب نیز جدی‌تر گرفته می‌شود.
- خانواده منبع و سرچشمه ترویج باورها، عقاید و ساختار رفتاری است. رعایت الگوهای پوشش در نظام خانواده، باعث رعایت آن از طریق فرزندان و در نتیجه، تبدیل جامعه به جامعه حجابی خواهد شد.
- ایجاد علاقه و دل‌بستگی نسبت به حجاب باعث می‌شود که حجاب از الگوهای فردی در جامعه شود و نسبت به آن، نگاه ابزاری - کارکردی نداشته باشند.
- افراد دارای سلامت معنوی که در وضعیت باور، ایمان و نگرش دینی دچار اختلال نیستند، بیشتر به حجاب گرایش خواهند داشت.
- افراد برخوردار از عزت نفس اجتماعی، از حجاب به عنوان یک الگوی باطنی برای رعایت هنجارهای اجتماعی استفاده خواهند کرد.
- هرچه فرد آگاهی بیشتری از اصول، معیار و اهداف رعایت حجاب داشته باشد، بیشتر به حجاب گرایش خواهد داشت.
- افرادی که تصور مثبت از بدن خود دارند، به دلیل رضایت روانی و جسمی از ساختار بدنی در جامعه و روابط اجتماعی، به حجاب گرایش بیشتری خواهند داشت. با پنداشت منفی از بدن، از سطح گرایش به حجاب نیز کاسته می‌شود.
- نوع طبقه اجتماعی (بالا - پایین - متوسط) در گرایش به حجاب تأثیر دارد. افراد طبقات پایین جامعه، به دلیل فشار ساختاری و هنجاری و نوع انتظارات اجتماعی، حجاب را رعایت خواهند کرد. این درباره طبقه متوسط نیز رایج است که به دلیل هم‌نوایی با هنجارهای عمومی جامعه، از حجاب به عنوان یک سپر دفاعی استفاده می‌کند. در طبقات بالای جامعه، بسته به جایگاه شغلی و خانوادگی، شدت این مسئله متفاوت است.

24 ♦ مطالعه علل گرایش ایرانیان به فرهنگ حجاب

- رفتار متظاهرانه و نمایش آن در جامعه و جلب توجه و نشان دادن خود از طریق مصرف متظاهرانه، به تعبیری ابزار وجود و بیان خود به جامعه است. گاهی نیز همین مسئله، باعث گرایش به حجاب می‌شود.
- افرادی که نیاز به کسب پایگاه اجتماعی-اقتصادی در جامعه دارند، حجاب را به عنوان یک مؤلفه و ابزار اصلی رعایت می‌کنند.
- نیاز به تأیید اجتماعی از سوی الگوهای مرجع، گروه و جامعه، باعث می‌شود افراد حجاب را در رفتار و روابط اجتماعی خود رعایت کنند.
- جامعه‌پذیری حجاب از طریق خانواده، نهادهای مدنی، دانشگاه، مدارس و غیره، باعث کاهش سطح مقاومت فرهنگی در برابر حجاب می‌شود.
- هر چه سطح سرمایه اجتماعی از جمله اعتماد اجتماعی بین فرد- خانواده، فرد- دولت، دولت- خانواده زیادتر باشد، به همان میزان فرد از حجاب به عنوان امر هنجاری و فرهنگی دفاع می‌کند.
- اعتماد فرد به رسانه‌های ملی باعث می‌شود تبلیغات، ترویج و آگاهی‌بخشی در باب حجاب از سوی رسانه را بپذیرد و آن را رعایت کند.
- رسانه‌های جهانی - محلی که فرد را به جهانی فرای محل اتصال می‌دهند و فرد از دنیای بسته، محلی و جغرافیایی خارج می‌شود، باعث گرایش فرد به الگوی عام و جهانی در سبک پوشش خواهد شد؛ از جمله استفاده از اینترنت، رسانه‌های خارجی و ماهواره، که در وضعیت و میزان تمایل ایرانیان به امر حجاب مؤثر است.
- گذار جامعه از نقطه انقلاب در 40 سال اخیر به 1400، شاهد گذار در ترجیحات ارزشی و هنجاری جامعه شده است. شکل حجاب از حالت ساختاری به عاملیت (کنشگرانه، فردی و سلیقه و ذائقه اجتماعی) تحول یافته است. اما همچنان به عنوان یک سبک رفتاری و فکری در جامعه رایج است. حجاب و نوع نگرش جامعه به آن، تابعی از عملکرد نظامهای اجتماعی در گذر زمان است. بر این اساس، نتایج نشان می‌دهد که عواملی از جمله: میزان باور به الزام حجاب (0,346)، باورهای دینی (0,112)، ارزشی شدن حجاب (0,216)، سرمایه فرهنگی (0,144)، فرهنگ ازدواج آسان (0,312)، سطح تحصیلات (0,365)، آموزش اجتماعی (0,231)، سبک زندگی (0,289)، سبک فراغتی (0,108)، آگاهی از حجاب (0,190)، الگوی پوشش خانوادگی (0,290)، سطح سلامت معنوی (0,356)، عزت نفس اجتماعی (0,209)، طبقه اجتماعی (0,188)، تصور مثبت از بدن (0,100)، رفتار متظاهرانه (0,431)، کسب پایگاه اجتماعی-اقتصادی (0,235)، تأیید اجتماعی (0,107)، جامعه‌پذیری حجاب (0,243)، الگوپذیری از دوستان (0,143)، اعتماد اجتماعی (0,200)، اعتماد رسانه‌ای (0,132) و استفاده از اینترنت (0,166)، رسانه‌های خارجی (0,387) و ماهواره (0,217)، در

سید علی میرلوحی و همکاران ♦ 25

وضعیت و میزان تمایل جامعه ایرانیان به امر حجاب مؤثر بوده است. یافته‌های این فراتحلیل همسو با نتایج تجربی عبدالمنافی و سلیمانی (1399)، نعمتی فر و صفورایی (1398)، نیک‌بخش (1398)، مهدوی و سیدشرافت (1397)، صدیق اورعی و همکاران (1397)، عسکریان بیدگلی و همکاران (1397)، حسین‌زاده و همکاران (1397)، صدر و معتمدی (1396)، متانی (1396)، محمدی و همکاران (1396)، دشتی و همکاران (1395)، خدادی و احمدی (1394)، ذیحی (1393)، مولایی و یوسف‌وند (1393)، خوشخویی و همکاران (1392)، صالح‌آبادی (1392)، طیبی‌نیا و احمدی (1392)، افسری (1391)، خواجه‌نوری و همکاران (1391)، رجالی و همکاران (1391)، رحمانی (1391)، زنجانی و احسانی (1391) و شارع‌پور و همکاران (1391) است.



منابع

- افسری، لیلا (1391). «بررسی عوامل مؤثر بر ارتقای سطح حجاب و عفاف (مورد مطالعه: دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر». علوم رفتاری، ش 13: 40-13.
- بوردیو، پی‌یر (1380). نظریه کنش. ترجمه سید مرتضی مردی‌ها. تهران: نقش و نگار.
- جعفری، علیرضا (1381). بررسی جامعه‌شناختی مدگرایی دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم دبیرستانهای پسرانه شهر کرمان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
- چلبی، مسعود (1384). جامعه‌شناسی نظم. تهران: نی.
- حسین‌زاده، علی؛ محسن نیازی و الهام شفائی مقدم (1397). «بررسی رابطه عوامل اجتماعی و فرهنگی و نگرش به حجاب (مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه کاشان در سال تحصیلی 93-1392)». دین و ارتباطات، سال بیست و پنجم، ش 1 (پیاپی 53): 40-9.
- خدادادی سنگده، جواد و خدابخش احمدی (1394). «نقش عوامل فرهنگی و رسانه‌ای در پیش‌بینی حجاب زنان؛ مطالعه ملی». زنان و خانواده، ش 33: 22-7.
- خواجه‌نوری، یژن؛ علی روحانی و سمیه هاشمی (1391). «گرایش به حجاب و سبکهای متفاوت زندگی (مطالعه موردی: زنان شهر شیراز)». جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و سوم، ش 3 (پیاپی 47): 141-166.
- خوشخویی، منصور؛ محمدرضا یوسف‌زاده و پریسا آذریون (1392). «بررسی رابطه میزان استفاده از رسانه‌های ارتباطی (اینترنت، ماهواره و تلفن همراه) و گرایش دانشجویان دختر دانشگاه بوعلی سینا به حجاب». دین و ارتباطات، سال بیستم، ش 1 (پیاپی 43): 43-65.
- دشتی، سعید؛ بابک معینی، رضا شهرآبادی، نوشین بیرانوندپور، فاطمه وجدانی آرام، جواد فردمال و مرتضی مطهری‌پور (1395). «بررسی رابطه سلامت معنوی با نگرش دانشجویان دختر دانشگاه علوم پزشکی همدان در مورد حجاب». دین و سلامت، دوره چهارم، ش 1: 28-21.
- ذبیحی، اکرم (1393). «مؤلفه‌های جامعه‌پذیری حجاب؛ مطالعه موردی دانش‌آموزان دبیرستانی شهر قم». فرهنگ پژوهش، ش 17: 195-165.
- رجالی، مه‌ری؛ مهناز مستاجران و مهران لطفی (1391). «نگرش دانشجویان دختر دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی اصفهان نسبت به حجاب و پوشش زنان و برخی عوامل مؤثر بر آن». تحقیقات نظام سلامت، سال هشتم، ش 3: 430-424.
- رجیبی، سوران (1379). زنان و فمینیسم. تهران: دانش و اندیشه.
- رحمانی، محمدجواد (1391). «بررسی عوامل معرفتی مؤثر بر پوشش و حجاب اسلامی (دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت)». مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، سال شانزدهم، ش 3: 557-531.

- رفیع پور، فرامرز (1376)؛ توسعه و تضاد. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- ریترز، جورج (1385). نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: علمی.
- زنجانی، حبیب‌الله و مریم احسانی (1391). «رویکرد جوانان نسبت به حجاب (مورد مطالعه: مناطق دو و هجده شهر تهران)». مطالعات جامعه‌شناختی ایران، ش 6: 75-95.
- سلاجقه، آریتا و نعمت‌الله موسی‌پور (1390). «بررسی مقایسه‌ای الگوی پوشش دانشجویان دانشگاه‌های دولتی، پیام نور و آزاد اسلامی (مطالعه موردی: شهر بافت)». تحقیقات فرهنگی، دوره چهارم، ش 3.
- سیاح‌ورک، محمد؛ مهناز امیرپور و عفت وحیدی مطلق (1393). «بررسی عوامل مؤثر بر عفاف و حجاب دختران مقطع متوسطه (مطالعه موردی استان خراسان شمالی)». دانش انتظامی خراسان شمالی، سال اول، ش 1.
- سیوفی کلور، معصومه (1387). بررسی عوامل مرتبط با نگرش دانشجویان دختر نسبت به حجاب (دانشجویان رشته پژوهشگری و مددکاری اجتماعی). پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- شارع‌پور، محمود؛ سیده زینب تقوی و مهدی محمدی (1391). «تحلیل جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر گرایش به حجاب (مطالعه موردی: گرایش به حجاب در بین دانشجویان دختر دانشگاه مازندران)». تحقیقات فرهنگی ایران، ش 19: 30-1.
- شیوایی، فریده و مریم رضایی (1386). «حجاب و عفاف در سیما: آسیبها و راهکارها». مرکز پژوهشهای اسلامی صداوسیما با همکاری دفتر امور زنان و خانواده صداوسیما.
- صالح‌آبادی، ابراهیم (1392). «بررسی جامعه‌شناختی حجاب زنان در شهر اسفراین اعتماد و حجاب». مطالعات جامعه‌شناختی جوانان، سال چهارم، ش 12: 113-136.
- صدر، سیده فاطمه و عبدالله معتمدی (1396). «بررسی رابطه جهت‌گیری مذهبی با نگرش به حجاب و خودمهارگری در دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی». روان‌شناسی و دین، ش 39: 101-112.
- صدیق اورعی، غلامرضا؛ مصطفی غنی‌زاده، هانیه صداقت و عاطفه کابلی (1397). «نگرش و موضع زنان و دختران مشهدی به حجاب». مطالعات فرهنگ و ارتباطات، سال نوزدهم، ش 44: 229-253.
- طالبی، دلیر و سید مجتبی رضوی طوسی (1392). «اعتقاد به حجاب و نگرشهای مربوط به آن». زنان و خانواده، سال هفتم، ش 23.
- طیبی‌نیا، موسی و حبیب احمدی (1392). «مدل‌یابی معادلات ساختاری حجاب و عفاف». زن و جامعه، سال چهارم، ش 4: 45-66.
- عبدالمنافی، سعید و مریم سلیمانی (1399). «مطالعه عوامل مؤثر بر آگاهی از مد و مصرف مد حجاب؛ مورد مطالعه: زنان شهر اصفهان». جامعه‌شناسی کاربردی، ش 78: 123-141.

28 ♦ مطالعه علل گرایش ایرانیان به فرهنگ حجاب

- عسکریان بیدگلی، مریم؛ زینب‌السادات اطهری و حسین ستار(1397). «بررسی نقش تربیت اخلاقی در رعایت حجاب دانشجویان دختر دانشگاه کاشان». زن و جامعه، سال نهم، ش 2: 104-69.
- علیمردی، مهناز و محمد مهدی علیمردی(1389). «حجاب و پوشش در ادیان زرتشت، یهود و مسیحیت». معرفت ادیان، سال اول، ش 3: 117-138.
- فاضلیان، پورانداخت(1389). «بررسی رابطه حجاب و میزان امنیت اجتماعی در بین زنان شهر تهران». پژوهشنامه زنان، ش 2: 86-65.
- متانی، مهدی(1396). «نقش رسانه‌های جمعی در گسترش فرهنگ حجاب و عفاف زنان». زن و فرهنگ، سال هشتم، ش 32: 37-46.
- محبوبی منش، حسین(1386). «تحلیل اجتماعی مسئله حجاب». مطالعات راهبردی زنان، ش 38: 134-88.
- محمدی، اصغر(1385). «بررسی عوامل مؤثر بر گرایش به بدحجابی در بین دختران و زنان شهر اصفهان». جامعه‌شناسی(دانشگاه آزاد اسلامی واحد آشتیان)، سال اول، ش 4.
- محمدی، میلاد؛ بهرننگ محمدی و اصغر فرجامی(1396). «تحلیل الگوپذیری دانش‌آموزان از حجاب معلمان در مدارس آموزش و پرورش(نمونه موردی: مدارس دختر مقطع متوسطه و ابتدایی شهرستان دهگلان - کردستان». مطالعات راهبردی علوم انسانی و اسلامی، ش 7: 58-41.
- محمدی‌نیا، اسدالله(1389). فلسفه حجاب. قم: سبأکبر.
- مطهری، مرتضی(1385). مسئله حجاب. قم: صدرا.
- معین، محمد(1342). فرهنگ فارسی. تهران: امیرکبیر.
- مولایی، جابر و شهلا یوسف‌وند(1393). «بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر گرایش به حجاب(مطالعه موردی: دانشجویان دختر دانشگاه پیام نور شهر آبدانان)». زن و جامعه، سال 5، ش 3: 46-35.
- مهدوی، محمد و الهه سیدشرافت(1397). «تحلیل نوع نگرشها به فرهنگ حجاب و عفاف در ورزش بانوان (مطالعه موردی: بانوان ورزشکار استان آذربایجان شرقی)». زن در فرهنگ و هنر، دوره دهم، ش 2: 214-197.
- مهدیان‌نسب، حاجی محمد و بابک معینی(1395). «بررسی عوامل مرتبط با گرایش دختران و زنان 9-15 ساله شهر همدان نسبت به حجاب در سال 1394». دانش انتظامی همدان، سال سوم، ش 10.
- نائینی، غروی و وحیده عامری(1386). «پویایی در معنا و مفهوم حجاب». شورای فرهنگی اجتماعی زنان، سال نهم، ش 36.
- نعمتی‌فر، سید نصرت‌الله و محمد مهدی صفوراایی پاریزی(1398). «بررسی تأثیر استفاده از شبکه‌های اجتماعی بر حجاب و پوشش کاربران با تأکید بر ابعاد دینداری(مورد مطالعه: کاربران زن شبکه اجتماعی اینستاگرام)». دین و ارتباطات، سال بیست و ششم، ش 1(پیاپی 55): 335-362.

سید علی میرلوحی و همکاران ♦ 29

- نیک‌بخش، بهرام (1398). «تحلیل جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر گرایش به حجاب (مطالعه موردی: گرایش به حجاب در بین زنان 18 تا 32 ساله شهرستانی لالی)». زن و جامعه، سال دهم، ش 1: 365-388.
- وقاری، مهدی (1396). «بررسی میزان تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر حجاب و عفاف دانش‌آموزان؛ مورد مطالعه: دانش‌آموزان متوسطه دوره دوم شهر بجنورد». دانش انتظامی خراسان شمالی، دفتر تحقیقات کاربردی فا.ا. خراسان شمالی، سال چهارم، ش 1.
- Abdul Manafi, Saeed & Maryam Soleimani (2020). "Study of Factors Affecting Awareness of Fashion and Consumption of Hijab Fashion; Case Study: Women in Isfahan". *Applied Sociology*, No. 78: 123-141.
- Afsari, Leila (2012). "Study of effective factors on improving the level of hijab and chastity (Case study: female students of Islamic Azad University, Abhar Branch)". *Behavioral Sciences*, No. 13: 13-40.
- Alimardi, Mahnaz & Mohammad Mehdi Alimardi (2010). "Hijab and covering in the religions of Zoroastrianism, Judaism and Christianity". *Knowledge of Religions*, First Year, No. 3: 117-138.
- Askarian Bidgoli, Maryam; Zeinab al-Sadat Athari & Hussein Sattar (2018). "Study of the role of moral education in observing the hijab of female students of Kashan University". *Women and Society*, Year 9, No. 2: 69-104.
- Bourdieu, Pierre (2001). *Theory of Action*. Translated by Seyed Morteza Mardiha. Tehran: Naghsh va Negar.
- Chalabi, Massoud (2005). *Sociology of Order*. Tehran: Ney.
- Dashti, Saeed; Babak Moeini, Reza Shahrabadi, Noushin Biranvandpour, Fatemeh Aram Vajdani, Javad Fardmal & Morteza Motaharipour (2016). "Study of the relationship between spiritual health and the attitude of female students of Hamadan University of Medical Sciences about hijab". *Religion and Health*, Vol. 4, No. 1: 21-28.
- Fazelian, Pourandakht (2010). "Study of the relationship between hijab and the level of social security among women in Tehran". *Journal of Women*, No. 2: 65-86.
- Hosseinzadeh, Ali; Mohsen Niazi & Elham Shafaei Moghadam (2018). "Study of the relationship between social and cultural factors and attitudes toward hijab (Case study of Kashan University students in the academic year 2013-2014)". *Religion and Communication*, Vol. 25, No. 1 (Consecutive 53): 9-40.
- Jafari, Alireza (2002). *Sociological study of fashionism of second and third grade students of boys' high schools in Kerman*. Master's Thesis.
- Jallaeipour, H. (1999). *Recent Sociological Theories*. Tehran: Ney.
- Khajeh Nouri, Bijan; Ali Rouhani & Somayeh Hashemi (2012). "Tendency to Hijab and Different Lifestyles (Case Study: Women in Shiraz)". No. 3: 141-166.

- Khodadi Sangdeh, Javad & Khodabakhsh Ahmadi (2015). **“The role of cultural and media factors in predicting women's hijab; national study”**. *Cultural Education of Women and Family*, No. 33: 7-22.
- Khoshkhooi, Mansour; Mohammad Reza Yousefzadeh & Parisa Azarion (2013). **“Study of the relationship between the use of communication media (Internet, satellite and mobile phones and the tendency of female students at Bu Ali Sina University to wear hijab”**. *Religion and Communication*, Vol. 20, No. 1(43): 43-65.
- Mahboubi Manesh, Hussein (2007). **“Social Analysis of the Hijab Issue”**. *Strategic Studies of Women*, No. 38: 88-134.
- Mahdavi, Mohammad & Elahe Seyed Sharafat (2018). **“Analysis of Attitudes Toward the Culture of Hijab and Chastity in Women's Sports (Case Study: Women Athletes of East Azerbaijan Province)”**. *Women in Culture and Arts*, Vol. 10, No. 2: 197-214.
- Mahdian Nasab, Haji Mohammad & Babak Moeini (2016). **“Study of factors related to the tendency of girls and women aged 9-45 in the city of Hamadan to the hijab in 2015”**. *Hamadan Disciplinary Knowledge Quarterly*, Three Year, No. 10.
- Matani, Mehdi (2017). **“The role of mass media in promoting the culture of hijab and chastity of women”**. *Quarterly Journal of Women and Culture*, Vol. 8, No. 32: 37-46.
- Moein, Mohammad (1963). *Farhang-e Farsi*. Tehran: Amirkabir.
- Mohammadi, Asghar (2006). **“Study of effective factors on the tendency to bad hijab among girls and women in Isfahan”**. *Journal of Sociology (Islamic Azad University, Ashtian Branch)*, First year, No. 4.
- Mohammadi, Milad; Behrang Mohammadi & Asghar Farjami (2017). **“Students 'role modeling of teachers' hijab in education schools(Case study: Kurdistan girls' schools)”**. *Strategic Studies in Humanities and Islamic Sciences*, Vol 7: 58-41.
- Mohammadinia, Assadollah (2010). *Philosophy of Hijab*. Qom: Sabta Akbar Publications.
- Molaei, Jaber & Shahla Yousefvand (2014). **“Sociological study of the factors affecting the tendency to hijab (Case study: female students of Payame Noor University of Abadan)”**. *Woman and Society*, Vol. 5, No. 3: 35-46.
- Monadi, Morteza (2009). **“The Role of Knowledge and Science in Everyday Life: Comparative Study, Educated and Low Educated Family in Tehran”**. *Iranian high, Education Association*, Vol. 2, No. 1: 67-110. [In Persian].
- Motahhari, Morteza (2006). *The Issue of Hijab*. Qom: Sadra Publications.
- Naini, Gharavi & Vahideh Ameri (2007). **“A scan in the meaning and concept of hijab”**. *Quarterly Journal of Women's Social Cultural Council*, Year 9, No. 36.
- Nematifar, Seyed Nusratullah & Mohammad Mehdi Safouraei Parizi (2019). **“Investigating the effect of using social networks on hijab and covering users with emphasis on the dimensions of religiosity (Case study:**

- female users of Instagram social network)". *Religion and Communication*, Vol. 26, No. 1 (55): 335-362.
- Nikbakhsh, Bahram (2014). "Causes of Massive Massacres as a Social Damage". *First International Conference on psychology & Social Sciences*. 1(32): 112.
 - Nikbakhsh, Bahram (2019). "Sociological analysis of the factors affecting the tendency to hijab (Case study: Tendency to hijab among women aged 18 to 32 in Lali city)". *Women and Society*, Vol. 10, No. 1: 365-388.
 - Rafi Pour, Faramarz (1997). **Development and Contradiction**. Tehran: Shahid Beheshti University.
 - Rahmani, Mohammad Javad (2012). "Study of epistemological factors affecting Islamic dress and hijab (students of Islamic Azad University, Marvdasht Branch)". *Epistemological Studies in Islamic University*, Year 16, No. 3: 531-557.
 - Rajabi, Soran (2000). **Women and Feminism**. Tehran: Knowledge and Thought.
 - Rejali, Mehri; Mahnaz Mostajeran & Mehran Lotfi (2012). "Attitudes of female students of Isfahan University of Medical Sciences towards hijab and women's clothing and some factors affecting it". *Health System Research*, Vol. 8, No. 3: 424-430.
 - Ritzer, George (2006). **Sociological Theory in Contemporary Times**. Translated by Mohsen Thalasi. Tehran: Scientific Publications.
 - Sadr, Seyedeh Fatemeh & Abdullah Motamedi (2017). "Study of the relationship between religious orientation and attitudes toward hijab and self-control in students of Allameh Tabatabaieh University". *Psychology and Religion*, No. 39: 101-112.
 - Salehabadi, Ebrahim (2013). "Sociological study of women's hijab in Esfharayen city of trust and hijab". *Sociological Studies of Youth*, Vol. 4, No. 12: 113-136.
 - Sayahvork, Mohammad; Mahnaz Amirpour & Effat Vahidi Motlagh, (2014). "Study of effective factors on chastity and hijab of high school girls (Case study of North Khorasan province)". *North Khorasan Disciplinary Knowledge Quarterly*, First Year, First Issue.
 - Selajgeh, Azita & Nematullah Musaypour (2011). "Comparative study of the coverage pattern of students of public universities, Payame Noor and Islamic Azad (Case study: Shahr Baft)". *Cultural Research Quarterly*, Vol. 4, No. 3.
 - Sharepoor, Mahmood; Seyedeh Zeinab Taghavi & Mehdi Mohammadi (2012). "Sociological analysis of the factors affecting the tendency to hijab (Case study: Tendency to hijab among female students of Mazandaran University)". *Iranian Cultural Research*, No. 19: 1-30.

- Shivaei, Farideh and Maryam Rezaei (2007). "**Hijab and dignity in TV: harms and Solutions**". T.V. Islamic Research Center in collaboration with the Women and Family Affairs Office of the T,V.
- Siddiq Orei, Gholamreza; Mustafa Ghanizadeh, Hanieh Sedaghat & Atefeh Kaboli (2018). "**Attitude and position of Mashhad women and girls to hijab**". *Studies in Culture and Communication*, Vol. 19, No. 44: 253-229.
- Siofi Klor, Masoumeh (2008). **Study of factors related to the attitude of female students towards hijab (female students majoring in research and social work)**. Master Thesis. Faculty of Social Sciences, Allameh Tabatabaei University.
- Talebi, Dalir & Seyed Mojtaba Razavi Tusi (2013). "**Belief in Hijab and Related Attitudes**". *Cultural and Educational Quarterly of Women and Family*, Year 7, No. 23.
- Tayyebinia, Musa & Habib Ahmadi (2013). "**Modeling the structural equations of hijab and chastity**". *Women and Society*, Vol. 4, No. 4: 45-66.
- Vaghari, Mehdi (2017). "**Study of the effect of social networks on the hijab and chastity of students; case study: high school students in the second year of Bojnourd**". *North Khorasan Disciplinary Knowledge Quarterly, Applied Research Office Fa.A. North Khorasan*, Fourth Year, No. 13.
- Zabihi, Akram (2014). "**Components of Hijab Sociability; A Case Study of High School Students in Qom**". *Farhang-e-Pajuhesh*, No. 17: 165-195.
- Zanjani, Habibaullah and Maryam Ehsani (2012). "**Youth Approach to Hijab (Case Study: Districts Two and Eighteen of Tehran)**". *Sociological Studies of Iran*, Vol. 6: 95-75.